

هشتمین
تاریخ ایران ۸۷/۱

تاریخ

بلکه نویسندگان معمولی از این تاریخ
با آن برویان و نه این ایند
شناخته شده اند

برخلاف کتابخانه
کتابخانه شنیده شده

لایه
رسانه انتسابیه تبریزی
تسبیح

آدمی دیگر

قدرت حال

مقدمه مترجم

مقدمه

پیادش این کتاب

حقیقی که فلسفه فلسفه است

فصل نخست شما دستتان کنید

بزرگ ترین مالع بر سر راه روش زنگی

از انسازی خود از ذهن

روشن زنگی: گذر به فراسوی

عاطله (یا احساس) واکنش



فصل دوم: آگاهی راه خود را در خود

برهیز از خودی که به زمان از

دردی که به میزبانی پرسی

کارخانه ۰۰۰۸۹۲۰۰۴۷۵۶

منشأ توپ ۵۸ ۹۷۷۷۹۹۲

جستجوی شرکت

تهران ۱۳۹۵

میرکوه

ماله

تحقیق آگاهی مخصوص ۷۹۱ و نتایجی را که تقدیم شده
واقعیت حضور این شما ۳۱۶ ۷۲ بسیار جذب نکنند ۷۴ از همه
۷۵ ن لعن همچویه همین باورشخون بولو

فصل ششم: بدن درونی ۶۷ این همچویه که آن بودند
هستی عمیق ترین خود ۲۸۵ (لیکن) روحانیت این در عین حال
به ورای کلام اینها ۲۸۶ این روحانیت همچویه
با هفتم واقعیت ناسخه و غلطانه ۲۸۷ این باورشخون

آنچنان ۲۸۸ اینها که نیستند و نیز روحانیت این
آنچنان ۲۸۹ اینها که نیستند و نیز روحانیت اینها
تحول ۲۹۰ اینها که نیستند و نیز روحانیت اینها

سخن ۲۹۱ همچویه اینها که نیستند و نیز روحانیت اینها
پیشگفتار مترجم ۹ از درون اینها بدل اینها که نیستند
مقدمه مترجم ۱۳ این پیشخواهد AYA روحانیت اینها که نیستند

مقدمه ۲۱ اینها که نیستند ۲۹۲ اینها که نیستند ۲۹۳ اینها که نیستند
پیدایش این کتاب ۲۱ اندیشه ۲۲

حقیقتی که درون شماست ۲۴ اینها که نیستند ۲۵ اینها که نیستند
بگذرد تفسیر شما را به درون ۲۶ اینها که نیستند ۲۷ اینها که نیستند

فصل نخست: شما ذهنتان نیستید ۲۹ اینها که نیستند ۳۰ اینها که نیستند
بزرگ ترین مانع بر سر راه روشن نگری ۲۹ اینها که نیستند ۳۱ اینها که نیستند
آزادسازی خود از ذهن ۳۵

روشن نگری: گذر به فراسوی فکر ۳۹ اینها که نیستند ۴۰ اینها که نیستند
عاطفه (یا احساس): واکنش بدن به ذهن ۴۲ اینها که نیستند ۴۳ اینها که نیستند
منع ۴۴ اینها که نیستند ۴۵ اینها که نیستند

فصل دوم: آگاهی: راه خروج از درد ۴۹ اینها که نیستند ۵۰ اینها که نیستند
پرهیز از دردی که به زمان حال برمی گردد ۴۹

دردی که به گذشته برمی گردد: از میان بردن کهنه درد ۵۲ اینها که نیستند
یکی انگاری نفس با کهنه درد ۵۷ اینها که نیستند ۵۸ اینها که نیستند

منشأ ترس ۵۸ اینها که نیستند ۵۹ اینها که نیستند
جستوجوی نفس بودن ۶۰ اینها که نیستند ۶۱ اینها که نیستند

فهرست مطالب

- تحقیق آگاهی محض ۱۱۰ هنر اینستین: نسبیتی نویشته رایج
واقعیت حضور الهی شما ۱۱۵ ایام به نامه گایلتسه در راه به
۱۱۶ تحقیقاتی قصه پرینته لایم
فصل ششم: بدن درونی ۱۱۷ بسته لعل روابطی که کارکرد علیتها
هستی عمیق ترین خود شماست ۱۱۷ غافل از رعایت‌ها غافل از
به ورای کلمات بنگرید ۱۱۸ روحنه خود را غافل از خواسته غافل از
یافتن واقعیت نامشهود و فناناً پذیر خود ۱۲۰ جذب شدن درونی ایم
اتصال به بدن درونی ۱۲۱ هنر اینستین: بیان چیزی بین لیه یا
تحول از راه بدن ۱۲۲ چیزی که درین شکل غافل از نشانه‌های ترس
سخنی در رباب جسم ۱۲۵ کنی دیگر، ملکوتی دیگر، ملکتی بردم هنگام
ترجمه کتاب حرفه‌ریشهای عمیق در درون داشته باشید ۱۲۵ هنر اینستین: بین این دو مکان
کرده‌بودم عبارت پیش از ورود به بدن، ببخشاید ۱۲۸ هنر اینستین: بین این دو مکان
عصر و زمانه‌های پیوند شما با نامتجلى ۱۲۹ هنر اینستین: بین این دو مکان
هم‌اکتوون در پیش کاستن از سرعت فرآیند پیری ۱۳۰ هنر اینستین: بین این دو مکان
من کند اتفاقاً از تقویت سیستم دفاعی ۱۳۱ هنر اینستین: بین این دو مکان
بگذارید تنفس شما را به درون بدن ببرد ۱۳۳ هنر اینستین: بین این دو مکان
استفاده خلاقانه از ذهن ۱۳۳ هنر اینستین: بین این دو مکان
هنرگوش دادن ۱۳۴ هنر اینستین: بین این دو مکان
دیگر در عالم تشریف ۱۳۵ هنر اینستین: بین این دو مکان
همیلیون و ۳۰۰ هزار نسل انسانی که در این دو مکان زندگی می‌کنند ۱۳۵ هنر اینستین: بین این دو مکان
فصل هفتم: درگاه‌های ورود به نامتجلى ۱۳۵ هنر اینستین: بین این دو مکان
عمیق شدن در بدن ۱۳۵ (رنگی) روحنه درین نامه را نیز می‌دانم ۱۳۵ هنر اینستین: بین این دو مکان
میزی مشهور را تجربه کنید و با اوی درونی روحنه را تجربه کنید ۱۳۶ هنر اینستین: بین این دو مکان
رسول دنگانه ملکانه ملکیتی که درین شکل هنر اینستین: بین این دو مکان
تستهای به شرکت ۱۳۹ هنر اینستین: بین دو کتابی بین این دو مکان کتاب‌های
کلاسیک جای گشوت ۱۴۰ به رانکین در سال ۱۱۷ این را تجربه کنید ۱۴۰ هنر اینستین: بین این دو مکان
شناختی کرد و فضا ۱۴۱ تایپر در سال ۱۱۷ این را تجربه کنید ۱۴۱ هنر اینستین: بین این دو مکان
نمی‌باشد. سرشت راستین فضا و زمان ۱۴۴ و اینی و استه لایل غفتان ای ای ای ای
آروزیسته حکمت مرگ آگاهانه ۱۴۶ مشترک همه زمان‌ها و مکان‌هاست.

- فصل سوم: به عمق حال رفتن ۶۳
خود را در ذهستان تجویید ۶۳
اکهارت آگی / توجیه سیمک عاقلی ۶۴
پایان بخشیدن به توهم زمان ۶۴
چیزی بیرون از حال وجود ندارد ۶۵
کلید ورود به بُعد معنوی (روحانی) ۶۶
دسترسی به قدرت حال ۶۸
The Power of Now: A guide to real enlightenment, ۱۹۹۷
دست کشیدن از زمان روانی ۷۱
زمان روانی و روان بیمار ۷۳
حالات منفی و رنج کشیدن هر دو ریشه در زمان دارند ۷۴
یافتن حیاتی که نهان در زیر موقعیت زندگی شماست ۷۶
همه مسائل توهمند ذهن است ۷۸
جهش در تحول آگاهی ۸۰
شفف هستی ۸۱
۱۷ باتکنی ای شولی
فصل چهارم: راهبردهای ذهن برای پرهیز از حال ۸۵
غفلت از حال: توهم بینایی ۸۵
ناآگاهی عادی و ناآگاهی عمیق ۸۷ نیزه لمسه انتسابی رایج
آنها دنبال چه چیزی هستند؟ ۸۹ نیزه لمسه انتسابی رایج
انحلال ناآگاهی عادی ۹۰ نیزه نایمه نیزه
رهایی از ناخوشنودی ۹۱ نیزه نایمه نیزه
هرجا هستی، با تمام وجود آنجا باشید. ۹۵ نیزه لمسه انتسابی
هدف درونی سفر زندگی تان ۱۰۰ نیزه
گذشته توان ادامه حیات در حضور را ندارد ۱۰۲ نیزه
فصل پنجم: حالت حضور ۱۰۵ نیزه
آن، چنان نیست که شما فکر می‌کنید. ۱۰۵ نیزه
معنای عرفانی و رمزی «انتظار» ۱۰۶ نیزه
زیبایی در سکوت حضور به ظهور می‌رسد. ۱۰۸ نیزه

فصل هشتم: روابط روشن نگرانه ۱۴۹ - رفته به لازمه
در هر جایی که هستید، از همانجا وارد حال شوید ۱۴۹ فهنه تبیغان

روابط مبتنی بر عشق / نفرت ۱۵۱

اعتباد و تلاش برای کامل شدن ۱۵۳ ۷۷۷ نماینده نهاده شد رسمه

از رابطه اعتیادی ترا باطه روشن نگرانه ۱۵۶ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

رابطه، تمرينی معنوی ۱۵۹ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

چرا زنان به روشن نگری نزدیک ترند ۱۶۵ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

از میان بردن کهن درد جمعی زنانه ۱۶۷ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

دست برداشتن از رابطه داشتن با خود ۱۷۲ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

عن حسی که بهانه برای مولیت ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

فصل نهم: ورای خشنودی و ناخشنودی صلح نهفته است ۱۷۵

نیکی ای فراتر از نیکی و بدی ۱۷۵ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

خاتمه ماجراهی زندگی شما ۱۷۸ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

ناپایداری و چرخه زندگی ۱۸۰ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

استفاده از حالات منفی و رها کردن آن ۱۸۵ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

سرشت شفقت (همدردی) ۱۹۰ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

به سوی نظم متفاوتی از واقعیت ۱۹۳ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

آنها دارند چه اینکی مخدوش ۱۹۹ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

فصل دهم: معنای تسلیم ۱۹۹

پذیرش حال ۱۹۹ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

از انرژی ذهنی به انرژی معنوی (روحانی) ۲۰۴ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

تسلیم در روابط شخصی ۲۰۶ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

تبدیل بیماری به روشن نگری ۲۰۹ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

هنگامی که فاجعه رخ می دهد ۲۱۱ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

تبدیل رنج به آرامش ۲۱۲ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

را رنج کشیدن (را را صلیب) ۲۱۵ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

توان انتخاب ۲۱۷ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

زیبایی در ساخت و ساز طور میزباند ۲۱۸ ۷۷۷ نماینده نهاده رسمه

فیلم، سالاری و مددخواهی هایی که از اینها لذت می برند ۲۱۹ - آدمی دیگر که از اینها لذت می برند

ریشه این لذت از این اینکه اینها باید همیشه ملحته را داشته
و نه تن می توانند همیشه این را داشته باشند. همچنان که اینها نیز این را داشته باشند
ن هستند بلطفه این را تجربه نمی کنند. همچنان که اینها نیز این را تجربه نمی کنند
لذا آنها این را اینجا نمی بینند. اینها نیز این را تجربه نمی کنند

در پیش گفتار ترجمه کتاب دیگر مؤلف، ملکی دیگر، ملکوتی دیگر، گفته بود هنگام
ترجمه کتاب موقعی که از من می پرسیدند موضوع کتاب چیست، پاسخی که پیدا
کرده بود عبارت از این بود که اگر بزرگی از بزرگان معرفت چونان مولوی قرار بود در این
عصر و زمانه ظهور کند و با ما سخن بگوید، نتیجه کمایش همین کتابی می شد که
هم اکنون در پیش رو دارید. همین مطلب درباره کتاب حاضر، آدمی دیگر، نیز صدق
می کند. اتفاقاً از جمله کسانی که مورد توجه مؤلف کتاب قرار دارند مولوی و حافظ
است.

دو کتاب عمده اکهارت ۷۱، آدمی دیگر (قدرت حال) و ملکی دیگر، ملکوتی
دیگر در عالم نشر از موقوفیت کم نظری برخوردار بوده اند و تا سال ۲۰۰۹ به ترتیب قریب
۵ میلیون و ۳ میلیون نسخه از آنها فقط در امریکای شمالی به چاپ رسیده اند و به
۳۳ زبان ترجمه شده اند. اکهارت تلى در سلسله برنامه زنده تلویزیونی خاتم اپرا وینفri،
 مجری مشهور تلویزیونی، شرکت جست و با اوی در هر نشست به بررسی و کاوش یکی از
فصول ده گانه ملکی دیگر، ملکوتی دیگر پرداخت. تعداد بینندگان این سلسله
نشست ها به شمار ۳۵ میلیون رسید. این دو کتاب به رغم جوانی در عدد کتاب های
کلاسیک جای گرفته اند. نشریه واتکینز در سال ۲۰۱۱ او را محبوب ترین آموزگار معنوی در
دنیا معرفی کرد و نیویورک تایمز در سال ۲۰۱۱ او را محبوب ترین آموزگار معنوی در
امریکا شناخت. تلى به هیچ گروه و دسته و فرقه و آینی وابسته نیست و سخن او بیان
امروزینه حکمت جاویدانی است که مشترک همه زمان ها و مکان هاست.

اما در نهایت ترجیح داده شد این عنوان بلند به «آدمی دیگر» کوتاه شود اما «قدرت حال» در جای عنوان فرعی همچنان باقی ماند.

مترجم در برگرداندن این اثر سعی کرده تا جای ممکن خوشخوانی و اثربخشی متن مبدأ را در ترجمه پارسی منتقل کند و بارها ترجمه پارسی کتاب را در مقام خواننده خوانده و از آن بهره گرفته است. آرزو دارم خوانندگان کتاب را در این تجربه با من سهیم شوند.

مقدمه مترجم

سیامک عاقلی

در شهر و زمانهای محدودی توفيق هنریات خوشنویسی و انتی خوب برای دنیا و با پشتزمگنایش خجل و رفع به بذاری برستد. این کسان سعی کنند از دیگران دستگیری کنند و راه بازگشت به خود را به آنها نشان دهند. مجموعه راهنمایی‌های آنها تعالیم آنها را تشکیل می‌دهد. این تعالیم به رغم اختلافات ظاهری که ناشی از برداشت‌های فردی و فرهنگی تحقیق و زمان‌گذاری است، گوهری واحد نارد جان کلام آنها عبارت است از این که ذهن ما از مدار خود طرح شده و سبب جهل و رفع برای ما می‌شود و این امکان وجوده دارد که با اعاده ذهن به مدار طبیعت اش، از این وضع نجات یابیم و به سلامت و روشی بگیریم. این ایده را می‌توانیم با عنوان «آنکه از خود خود است» معرفی کنیم. هرگز ذهن ما از حالت طبیعی خارج نشود و مردمی‌ها از دیگر فکرها کیونکنند. لحظه‌ای این فکرها را حرکت بازنمی‌استند. این اشغال استگن و کوئی که همه افرادی ذهن ما را می‌پنده احتلال ذهنی است اما از آن جایی که همه مبتلای جد این اشغال را به نیاز می‌رسد. صدای داخل سر ما از این اشغال و مادر حال خود را با خود هستیم. اگرچه همه مبتلای به این عادت یمارگونه ذهنی اند شدت و ضعف آن هر افراد فرق می‌کنند. کسانی که مادیواله به حساب می‌آورند، اشغال فکری‌های از تباشان با خود سه که بلند باند با خود عرف می‌روند و آن قدر درگیر فکرهاست خودند که از تباشان با والیت گسترش می‌شود. در افراد به اصطلاح تمثال همین اشغال فکری برقرار است کما امدادی بلند فکر می‌کنند و از تباشان با واقعیت کاملاً گسترش نمی‌نمایند. است

اکهارت تلی در سال ۱۹۹۷ در ۲۹ سالگی، هنگامی که مشغول تحصیل در دوره دکترای دانشگاه کیمبریج بود و از اضطراب و افسردگی شدیدی رنج می‌برد، ناگهان شبی انقلاب حال پیدا می‌کند و به نگاه و واقعیتی دیگر می‌رسد. تحصیل را رها می‌کند و چندین سال بی‌خانه و شغل و پیوند، عمر خود را در اوج ابتهاج در پارک‌های لندن سپری می‌کند. سپس در مقام فهم و هضم رویداد درونی خود برمی‌آید؛ به مطالعه آثار معنوی نو و کهنه می‌پردازد؛ با آموزگاران باطنی نشست و برخاست می‌کند و رفته رفته به درک و فهم حال خود می‌رسد و خود آموزگار باطنی می‌شود. او میدان ارزی حاکم بر لندن را نامناسب تشخیص می‌دهد و پس از چند بار بازدید از ساحل غربی امریکای شمالی، در سال ۱۹۹۵ به ونکوور در کانادا نقل مکان می‌کند. کتاب نخست خود، همین آدمی دیگر، را در کانادا نوشت و در شمارگان اندک ۳۰۰ نسخه منتشر کرد. اکهارت در مقدمه کتاب دوم خود، سکوت سخن می‌گوید، می‌نویسد: «آموزگار باطنی چیزی برای تعلیم به مفهوم متعارف کلمه ندارد، چیزی از قبیل اطلاعات، اعتقادات و قواعد و رفتار. تنها کار آموزگار باطنی برداشتن چیزی است که سبب جدایی ما از حقیقت می‌شود... کلام در حکم عالم راهنمایی اند». اتفاقاً نیز توجه و تنبیه‌ی که این کتاب چه در خوانندگان عادی و چه در خوانندگان صاحب نظر برانگیخته بسیار درخور توجه بوده و کمتر کسی می‌توان یافته که تأثیر مثبت مطالعه این کتاب را در خود تفی کرده باشد. همان طور که مؤلف کتاب خاطرنشان کرده است آموزگار راستین باطنی دانش نمی‌بخشد بلکه بینش می‌دهد. اینجا نخست نمایلیه ۷ نمایلیه ۵ عنوان ترجمه را به جای «قدرت حال» (The Power of Now)، «عالی دیگر، آدمی دیگر» گذاشتیم، به چند دلیل: یکی زیبایی آن، دوم آشنایی آن برای پارسی زبانان از رهگذر بیت معروف حافظ:

دیده بدهیم که مملکت می‌باشد و ملکه می‌باشد و ملکه می‌باشد

آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست عالمی دیگر باید سخت و از نو آدمی و نیز به دلیل تناسب آن با «ملکی دیگر، ملکوتی دیگر» عنوان ترجمه کتابی دیگر از مؤلف. «قدرت حال» در مقام عنوان فرعی بر جلد کتاب محفوظ داشته شد. نه لایه نه لایه